تجلی هویت ایرانی در اشعار ابی سعید رستمی

**چكيده:**

ابو سعید رستمی از چکامه‌سُرایان ایرانی‌تبار عصر آل بویه بود که به زبان شیوای عربی شعر می‌سرود. وی یکی از نام‌آورترین شاعران قرن چهارم هجری در اصفهان به شمار می‌رفت. اشعار این شاعر سرشار از مضامین ارزشمند وتوصیف‌های زیبا وخیال‌انگیز است. نکتة مهم ودرخور توجه در شعر این سُرایندة صاحب‌نام حضور پر رنگ نمادهای ایرانی ونشانه‌های میراث دیرینة پارسی است که همگی بر تجلی هویت ایرانی این شاعر تأکید دارند. نگارندة این مقاله با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی سعی دارد ويژگي‌های هویت ایرانی این شاعر را شناسایی نماید ومیراث شعری وی را از نظر هویتی وفرهنگی مورد بررسی وتحلیل قرار دهد. بررسی اولیه نشان می‌دهد که اشعار عربی این شاعر علاوه بر ارزش‌های ادبی وبلاغی از ارزش فرهنگی وتاریخی نیز برخوردار است، ومی‌توان به عنوان گنجینه‌ای از مضامین هویتی آن دوران بر شمرد. رستمی در بیان هویت ایرانی خود از چند عنصر بهره می‌برد. از جملة این عناصر می‌توان به مدح حاکمان ایرانی آل بویه، بالیدن به اصل ونسب فارسی خود وبازگو کردن آیین وآداب ایرانیان اشاره کرد.

كليد واژه‌ها:

آیین پارسی، ابو سعید رستمی، شاعران ایرانی‌تبار، شعر عربی، هویت ایرانی.

1- مقدمه

موضوع «هویت» وبه ویژه «هویت ایرانی» با همة ابعاد تاریخی، سیاسی وفرهنگی آن از اهمیت بالایی برخوردار است. نگاه تیزبینانه وژرفنگرانه به این موضوع چنانچه با رویکرد عمق‌بخشی به ریشه‌ها وشناخت فراگیر داشته‌ها باشد نباید دچار تعصب‌زدگی، نژادگرایی وقومیت‌پرستی گردد. چون هرگونه جانب‌داری تنگ‌نظرانه وتمایلات نا آگاهانه وگرایش‌های متعصبانه که حقایق را تحت الشعاع خود قرار دهد، اکیداً به پیکرة پژوهش ونتایج علمی آن آسیب می‌رساند. از این رو، فهم دقیق گسترة مفهومی اصطلاح «هویت» ودرک دامنة این مفهوم در ابعاد ایرانی آن نقش بسیار مهمی در تحلیل این موضوع دارد.

در آغاز سخن، واژة «هویت» را از نظر لغت توضیح داده، وسپس به معنی اصطلاحی آن می‌پردازیم. این واژه از ضمیر مفرد غایب عربی «هو» اخذ شده که به معنی «او» و«آن» می‌باشد، ودر قدیم نزد حُکما ومتکلمان به معنی تشخّص وماهیت مشهور است (دهخدا، 1377، 15: 23574، 23596). این واژه در ردیف کلماتی چون: شخصیت، ذات، وجود وهستی قرار دارد وبه معنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد (عمید، 1389: 1074). اما واژة «هویت» را از نظر اصطلاحی به دشواری می‌توان تعریف کرد، چون یک اصطلاح معاصر است وبیشتر به صورت ترکیب اضافی اطلاق می‌شود، مانند هویت ملی، هویت فرهنگی وهویت ایرانی. بنا بر این، چنانچه فرهنگ جامع یک قوم ویا محدودة جغرافیایی یک جامعه مد نظر باشد، هویت نیز به تبع از این نگاه قابل تعریف است. در قرن چهارم هجری که محدودة زمانی مورد بررسی این پژوهش است هیچ کدام از دو مورد گفته شده ملاک کار نیست؛ چون مردمان ایرانی از نظر قومیت وسرزمین در آن برهه زمانی ساختار مستقل نداشته وتابع حاکمیت وقت بوده‌اند. بنا بر این هویتی که می‌توان برای ایرانیان آن دوران قائل شد همان هویت فرهنگی است که نشان دهنده احساس تعلق ووفاداری به عناصر ونمادهای مشترک در جامعه ایرانی مانند: آیین، آداب، تاریخ، فرهنگ، زبان وادبیات است (قنبری، 1390: 7).

آنچه از میراث شعری وادبی قرن چهارم هجری به دست آمده که نشانگر هویت ایرانی می‌باشد، همان هویت فرهنگی با تأکید بر بُعد تاریخی آن است. به عبارت دیگر آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته‌های تاریخی وفرهنگی واحساس دلبستگی به آن که سبب پیوند نسل‌های مختلف به یکدیگر ومانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می‌شود، همان هویتی است که مد نظر می‌باشد (میرمحمدی، 1383: 322). در این راستا، شعر ابو سعید رستمی این بُعد هویتی را به وضوح نشان داده است.

ابو سعید محمد بن محمد رستمی یکی از پرآوازه‌ترین شاعران پارسی‌تبار عصر خود بود. در آغاز قرن چهارم هجری در اصفهان به دنیا آمد ودر پایان همان قرن دیده از جهان فرو بست. پدر وی از خاندان ایرانی «آل رستم» بود، ومادر وی از خاندان عرب تبار «آل جُنید». رستمی به زبان شیوای عربی شعر می‌سرود وپس از راه یافتن به محفل ادبی «صاحب بن عبّاد» وزیر کاردان آل بویه به اوج شهرت رسید (ثعالبی، 1983م، 3: 356). بیشتر اشعار رستمی در مدح ابن عبّاد وحاکمان آل بویه سروده شده، واین مدیحه‌ها به جایگاه ادبی وی استحکام وارزش بخشیده است.

رستمی در آفرینش تصویرهای زیبای شاعرانه وتوصیف‌های خلاقانه تبحّر ومهارت داشت. سبک سُرایش او متأثر از سبک شاعران پیشین عرب بود. در وصف ممدوح اغراق نمی‌کرد وکلام مبالغه‌آمیز نمی‌گفت. از راه شعر وشاعری ارتزاق نمی‌کرد واز درآمد زمین‌ها ومزارعی که در اختیار داشت امرار معاش می‌نمود. اما در برخی از اشعار او خواسته‌هایی دیده شده که به کار وکاسبی او مربوط می‌شد. نکتة حائز اهمیت در شعر رستمی بها دادن به آیین وآداب پارسی واهتمام ورزیدن به انعکاس فرهنگ ایرانی است. واین امر نشانگر باور عمیق شاعر به میراث کهن نیاکان وضرورت پاسداشت تمدن ایرانیان است.

1-1 بيان مسئله

قرن چهارم هجری به ویژه دوران حاکمیت آل بویه شاهد تحولات ساختاری عظیمی در زمینه‌های سیاسی اجتماعی وفرهنگی بوده است. بسیاری از اندیشمندان، نویسندگان، وشاعران ایرانی که از زبان عربی به عنوان زبان علم، فرهنگ وادب بهره می‌بردند، فرصت یافتند تا فرهنگ اصیل پارسی وهویت کهن ایرانی خود را در قالب‌های علمی، ادبی وهنری عرضه کنند. این امر در حد خود بی‌سابقه بود؛ چون فضای حاکم در دوران اموی‌ها وعباسی‌ها این اجازه را نمی‌داده است. بنا بر این بسیاری از ادیبان وشاعران فرصت را غنیمت شمرده وبه ابراز خواستة قلبی خویش پرداخته‌اند. از جملة این شاعران ابو سعید رستمی اصفهانی بود که بنا به گفتة نویسندة کتاب «یتیمه الدهر» از شاعران طراز اول وبلا منازع عصر خود بوده است (پیشین: 355). پژوهش حاضر به مبحث مهم هویت وفرهنگ ایرانی که در شعر این شاعر به وضوح نمایان شده، می‌پردازد، وسعی دارد شرایط پدیدار شدن این امر، ونیز عناصر تشکیل دهندة این هویت را بررسی نماید.

1-2 اهداف پژوهش

یکی از اهداف این پژوهش نشان دادن میزان استفادة شاعر از نشانه‌ها ونمادهای فرهنگی ایران است که نشانگر پایبندی ابو سعید رستمی به هویت اصیل خود علی رغم شرایط نا همگون وجو حاکم در آن دوران است. بازگو کردن تاریخ وتمدن ایران در قالب اشعار سترگ عربی با بهره‌گیری از عالی‌ترین سبک‌های ادبی وشیوه‌های بلاغی عربی از دیگر اهداف این پژوهش است. شعر رستمی در مجموع گنجینه‌ای گران‌سنگ با قدمت هزار ساله است که حاوی میراث ارزشمند ایرانیان می‌باشد. معرفی این گنجینة پربها به فرهیختگان وجامعة فرهنگی ما بسیار مهم وضروری است، ومقالة حاضر این هدف را نیز دنبال می‌کند.

1-3 پيشينة پژوهش

در بررسی‌های به عمل آمده، کتاب ویا مقاله‌ای با موضوع بررسی هویت ایرانی در اشعار ابی سعید رستمی یافت نشد، اما مقالات وپژوهش‌هایی در مورد عصر شاعر وشرایط سیاسی وفرهنگی دوران ابی سعید رستمی به رشتة تحریر درآمده است. از جملة این پژوهش‌ها: کتاب «الادب فی ظل بنی بویه» نوشتة محمود الزهیری که در سال 1949 میلادی چاپ شده است. نویسنده در این کتاب علاوه بر تشریح اوضاع سیاسی واجتماعی عصر آل بویه به ویژگی‌های ادبی وموضوعات شعری آن دوران پرداخته وکمتر در مورد زندگی‌نامه شاعران وادیبان آن سخنی به میان آورده است. مقالة «احوال واوضاع سیاسی، اجتماعی وادبی در دوران آل بویه از دیدگاه مورخان ونویسندگان عرب» نوشتة عبد العلی فیض الله زاده، که در پژوهشنامة علوم انسانی، سال 1386، شمارة 54، ص: 382 - 361 به چاپ رسیده است. نگارندة مقاله اوضاع عصر دیلمیان را با رویکرد تاریخی مورد بررسی وتحلیل قرار داده، ودلایل اهتمام ورزیدن حاکمان آل بویه به شعر وادبیات را بیان نموده است. مقالة «نقش حاکمان شیعی بویهی در شکوفایی ادبی قرن چهارم هجری» نوشتة علی رضا محکی پور، که در مجلة دانشکدة ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران، سال 1383، شمارة 172، ص: 79 - 63 به زیور طبع آراسته شد. این مقاله همچون مقالة پیشین، اثرگذاری حاکمان دیلمی در تحول ادبی آن دوران را بررسی نموده، وبه نقش اعتقادات شیعی زمامداران حاکم اشاره کرده است. این سه منبع بیشتر وضعیت فرهنگ وادبیات دوران حکومت آل بویه را شرح داده، ودربارة موضوع هویت وتأثیر آن در آثار شاعران وادیبان آن دوران اشاره‌ای نکرده است.

اما در خصوص مبحث هویت ایرانی کتاب‌ها وپژوهش‌های متعددی صورت گرفته، مانند: کتاب «هویت ملی وهویت فرهنگی» اثر جلال ستاری که در سال 1380 توسط نشر مرکز چاپ شده، ومقالة «هویت ملی ایرانی در گسترة تاریخ» نوشتة حمید احمدی که در فصلنامة مطالعات ملی، 1382، شماره اول، ص: 45-9 منتشر شده، وکتاب «مبانی هویت ایرانی» اثر قدیر نصری که در سال 1387 توسط انتشارات تمدن ایرانی منتشر شده، که در این مقاله از برخی از این منابع استفاده شده است.

هرچند این پژوهش‌ها با مبحث اصلی این مقاله ارتباط مستقیمی ندارند اما می‌توان به عنوان پیشینه جهت استفاده در این گونه موضوعات در نظر گرفت. بنابر این، مقالة حاضر سعی دارد با کمک سروده‌های ابو سعید رستمی، موضوع هویت ایرانی شاعر را بررسی نموده تا حاصل این پژوهش به عنوان یک مرجع مورد استفاده قرار گیرد.

1-4 سؤال‌های پژوهش

این مقاله بیشتر در پی پاسخ به سؤال‌های ذیل است:

1- ابو سعید رستمي در بیان هویت ایرانی خود از چه عناصری بهره می‌برده است؟

2- هویت ایرانی رستمی از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده است؟

1-5 روش تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق توصیفی تحلیلی است. نویسندة مقاله پس از جمع آوری اشعار شاعر که در موضوعات مختلف سروده شده است، به بررسی وتحلیل موضوعی ومحتوایی این اشعار روی آورده، ودر ادامه ابیات گردآوری شده را بر اساس موضوع اصلی این پژوهش یعنی هویت ایرانی مورد تحلیل وپژوهش قرار داده است.

2- بررسی موضوع

انعکاس هویت ایرانی در شعر ابو سعید رستمی با توجه به شهرت ونام‌آوری شاعر در محافل ادبی وسیاسی اثرگذاری مضاعف دارد. الگو گرفتن دیگر شاعران هم‌عصر رستمی از سبک وموضوعات شعری وی کاملاً در آثار شعری آنان قابل مشاهده است. شاعرانی همچون ابو بکر خوارزمی، ابو العباس ضبی، ابو محمد خازن، ابو القاسم زعفرانی، ابو العلاء اسدی، ابو محمد منجم، ابو منصور ثعالبی وبسیاری دیگر، از مضامین وشیوه‌های بیانی رستمی بهره‌های وافری بردند. بنا بر این، شعر رستمی نه تنها دیوان ادب به شمار می‌رود بلکه باید آن را گنجینه‌ای پربها ورسانه‌ای ارزشمند جهت نگهداری وگسترش مفاهیم سترگ هویت ایرانی وفرهنگ بلند پارسی دانست.

آنچه در این جستار در پی آن هستیم شناخت نشانه‌های فرهنگی وعناصر هویت ایرانی به کار رفته در اشعار رستمی است. بررسی وبازشناسی این عناصر هویت‌ساز در آثار شعری قرن چهارم هجری رهیافتی راهبردی در راستای اثبات یک حقیقت نا پنهان تاریخی به شمار می‌آید که شاعران ایرانی‌تبار در ادوار مختلف تاریخی وعلی‌رغم افت وخیزها وچالش‌های بی‌شمار همواره از هویت ایرانی خود دفاع کرده واز آیین ورسوم دیرین پارسی به بهترین وجه محافظت نمودند.

شعر ابو سعید رستمی سرشار از نشانه‌ها، آیین‌ها، سنت‌ها وآثار کهن پارسی می‌باشد که به زبان شیوا وفصیح عربی بیان شده است. این آثار بیشتر معرف نگاه عمیق شاعر به تاریخ وفرهنگ پربار ایران زمین است که به اشکال گوناگون در شعر خود منعکس نموده است. مجموعة این آثار بر این حقیقت تأکید دارد که شاعر به هویت ایرانی خود می‌بالید وبه داشتن چنین پیشینة عظیم تمدنی افتخار می‌کرد.

نشانه‌های هویت ایرانی در شعر رستمی

در لابه‌لای مدیحه‌های زیبا وتوصیف‌های شاعرانة رستمی عناصر ونشانه‌هایی آشنا از فرهنگ اصیل ایرانی وجود دارد، که حاکی از باور عمیق وپایبندی شاعر به هویت ایرانی خود می‌باشد. این عناصر هویت‌بخش وتمدن‌ساز را می‌توان این گونه دسته‌بندی کرد:

1- مدح وستایش حاکمان ایرانی آل بویه

خاندان دیلمی آل بویه که در دو قرن سوم وچهارم هجری بر مناطق وسیعی از ایران وعراق حکمروایی کردند یکی از دولت‌های پر نفوذ اسلامی را تشکیل دادند وباعث تغییر وتحول بزرگی در بسیاری از سیاست‌ها، وفرهنگ‌ها شده است. حکومت این دودمان شیعی ایرانی از سال 322 هجری آغاز ودر سال 448 هجری پایان یافت. از چهره‌های سرشناس این حکومت می‌توان به رکن الدوله دیلمی حاکم ری وهمدان (دوران حکومت: 323-366ق) وپسرش مؤید الدوله (دوران حکومت: 366-372ق)، وعضد الدوله دیلمی حاکم فارس وعراق (338-372ق) وپسرش بهاء الدوله (دوران حکومت: 388-403ق) اشاره کرد.

دربارة خاندان آل بویه وسلسله نسب این حاکمان نقل شده که نسب آن‌ها به فرمانروایان ساسانی منتهی می‌شود (ابن خلکان، 1994، 1: 175). اما صاحب کتاب «آثار الباقیه» معتقد است که دیلمیان به حفظ انساب معروف نبودند وبسیار کم اتفاق می‌افتد که با طول زمان انساب به توالی محفوظ بماند (ابو ریحان بیرونی، 1386: 62). اما نکتة حائز اهمیت در این موضوع همان مبحث هویت است که نشان می‌دهد حاکمان دیلمی در ادامة حاکمیت ایرانی ساسانیان است، واین بُعد هویتی در مشروعیت بخشیدن به دولت آل بویه کمک شایانی می‌کرد. شاید صحت نسب دیلمیان به ساسانیان را به یقین نتوان اثبات کرد، اما شاعران آن دوران بر این ادعا صحه گذاشتند وبر اصالت انتساب خاندان آل بویه به حاکمان ساسانی تأکید داشتند، ودر محافل مختلف تبلیغ می‌کردند.

از جملة شاعران معروف آن دوران ابو نصر عبد العزیز بن عمر معروف به ابن نُباته سعدی (وفات 405ق) از شاعران مشهور بغداد است. وی بارها این موضوع را در اشعارش تأکید کرده است. برای نمونه در مدح عضد الدوله این چنین می‌گوید:

|  |  |
| --- | --- |
| ملوکُ بنی ساسانَ تزعمُ أنَّهُ فتاها ومولاها ووارثُ مَجدها | لهُ حُفظت أسرارُها وعهودُها وسیّدُها إن کانَ ربٌّ یسودُها (ابن نباته، 1977، 1: 471) |

ترجمه: «پادشاهان ساسانی، اسرار وپیمان‌های پادشاهی را برای او (عضد الدوله) نگه‌داشتند. اگر برای این مُلک سروری باشد، او فرزند شایسته ومیراث‌دار وسرور این مُلک است».

شاعر دیگری به نام مهیار دیلمی (وفات 428ق) که شاگرد شریف رضی وتحصیل کردة مکتب شعر وشاعری او بوده، این موضوع را نیز تأکید کرده ودر مدح ابو طاهر جلال الدوله دیلمی امیر آل بویه در عراق (دوران حکومت: 406-423ق) به مناسبت جشن مهرگان چنین می‌سراید:

|  |  |
| --- | --- |
| وعادَ المهرجانُ بخفضِ عیشٍ هو الیوم ابتناهُ أبوکَ «کسری» | یَرفُّ علی ظلائله الصفاقِ وشیّدَ من قواعده الوِثاقِ  (دیلمی، 1950، 2: 352) |

ترجمه: «جشن مهرگان که بر مُلک تو سایه افکنده با رفاه مضاعف بازگشته است. جشنی که پدر تو «کسرا» شالودة آن را پی ریزی نموده است».

ابو سعید رستمی نیز در همین راستا وبا همین نگاه هویتی به موضوع انتساب خاندان آل بویه به پادشاهان ساسانی می‌پردازد، وآن را مایة افتخار ومباهات می‌داند که هیچ قبیلة عربی یارای مقاومت در برابر سروری آنان نیست. وی در مدح صاحب بن عبّاد وزیر آل بویه می‌سُراید:

|  |  |
| --- | --- |
| مَرازبُ لو داراهمُ آلُ دارِمٍ هُمو وَرِثوا أحسابَ کسری وهُرمُزٍ وبَذُّوا مُلوکَ العالَمینَ بِفضلِهم ومَن ذا یُسامی شمسَ فارِسَ مَحتِداً | إلی الفَخرِ أخزَوا دارِماً وتَمیمَهُ وحَلُّوا من الشَّعبِ الأغرِّ صَمیمَهُ کما بَذَّ فی الجَری المُجَلّی لَطیمَهُ بِمَحتدهِ أو مَن یَرومُ أرومَهُ (ابو سعید رستمی،1401: 163) |

ترجمه: «دلاور مرزبانانی هستند که اگر قبیله‌های عرب (دارم) و(تمیم) در برابر آنان به مفاخره برخیزند باعث ننگشان می‌شود. آنان میراث‌داران سلالة کسرا وهرمز هستند که ریشه در قوم ایرانی دارند. با بخشش وفضلشان از همة پادشاهان عالم پیشتاز شدند همان‌گونه که اسب پیشرو از دیگر اسب‌های مسابقه پیشتاز است. وچه کسی خورشید تابان فارس را ماند؟ وچه کسی اصل ونسب او را دارد؟».

رستمی در قصیده‌ای دیگر که در مدح مؤید الدولة دیلمی سروده است مجدداً بر این مطلب تأکید کرده، وایرانیان را صاحبان تمدن دیرینه دانسته که با دیگر اقوام مانند اعراب قابل مقایسه نیستند:

|  |  |
| --- | --- |
| لولا بنو بویه ظلَّ بنو السُّری اُقصد ملوکَ بنی بویه فغیرهُم مِن آلِ ساسانَ الاُلی ساسوا العُلی قومٌ إذا وأدَ البنات سواهُمُ | تدلی بحبلٍ فی الندی أخلاقِ لمعُ السَّرابِ یغرُّ بالرقراقِ فینا وساقوا المُلکَ أیَّ مَساقِ لم یدفنوها خشیه الاملاقِ  (پیشین:116،114) |

ترجمه: «اگر خاندان آل بویه نبودند ره‌پویان کرامت وسربلندی گمراه می‌شدند وطناب بخشش آن‌ها پوسیده می‌شد. به قصد آنان رو که دیگران سراب گمراه‌کننده هستند. آنان از سلالة پادشاهان ساسانی هستند که عزت وسرفرازی را در ما ایجاد، وبه بهترین وجه کشورداری کردند. آنان دختران را همانند دیگران به خاطر ترس از فقر ونداری زنده به گور نمی‌کردند».

با این که از این اشعار بوی شعوبیگری وبرتری نژادی استشمام می‌شود، اما این نگاه مفاخره‌آمیز به قوم ایرانی در آن برهه از زمان رایج شده بود، وشاعران در پرداختن به این موضوع بیشتر در تکاپوی تمدن ایرانی خود بودند، واین تمدن را در حاکمیت دولت ایرانی آل بویه می‌دیدند که به باور خود ادامه دهندة حاکمیت پادشاهان ساسانی بودند.

البته رویکرد فکری ابو سعید رستمی رویکردی شعوبی ونژادی نیست. واین امر به وضوح در دیگر اشعار این شاعر دیده می‌شود. او در عین افتخار به اصل ونسب ایرانی خود به زبان عربی نیز می‌بالید؛ چون از یک سو خاندان مادری او عرب بودند، واز سوی دیگر شعر عربی باعث شهرت او شده است. وی در این باره می‌گوید:

|  |  |
| --- | --- |
| إذا نسبونی کُنتُ من آلِ رُستمٍ | ولکنَّ شعری من لؤی بن غالب (همان:58) |

ترجمه: «اگر اصل ونسبم را پرسند من از خاندان رستمم، وشعرم از لؤی بن غالب نیای بزرگ عرب است».

ودر دیگر جا می‌سُراید:

|  |  |
| --- | --- |
| أنا مَن قد عرفت سرّاً وجَهراً لیتَ شعری إذا دُعیتُ شعاری | أعجميٌّ نَما به التعریبُ نسبی واضحٌ وعودی صلیبُ (همان:48) |

ترجمه: «مرا پنهان وپیدا شناختند: ایرانیم که با زبان عربی رشد یافته است. اگر نشانی از من جویند اصل ونسبم روشن واصالتم آشکار است».

ابو سعید رستمی همواره به اصالت ایرانی خود افتخار می‌کرد، وآن را بارها در اشعارش بیان می‌نمود. در مبحث بعدی به این موضوع می‌پردازیم، اما ذکر این مطلب مهم، ضروری به نظر می‌رسد که افتخار رستمی به اصالت ایرانی خود از سر تعصب قومی ویا گرایش تند نژادی نبوده، واین مسئله در تحلیل اشعار ایشان در مباحث بعدی کاملاً محسوس وقابل مشاهده است.

نکتة حائز اهمیت در مدیحه‌سرایی‌های رستمی که نباید از آن غافل ماند، اختصاص این مدائح به شخصیت‌های ایرانی است. آنچه از میراث شعری رستمی به دست آمده حاکی از توجه شاعر به ممدوحین ایرانی‌تبار است. شاعر علی‌رغم حضور چهره‌های مهم عرب‌تبار در دربار آل بویه مانند ابو العباس ضبی ودیگران، تنها به مدح ایرانیان پرداخته است. از میان ممدوحین شاعر می‌توان به مؤید الدوله دیلمی از خطة گیلان، وصاحب بن عبّاد طالقانی متعلق به یک خاندان اصیل ایرانی در قزوین (مردم بک، 1932: 3)، وعلی بن ابی القاسم اهل اصفهان، اشاره کرد. در بررسی مدیحه‌های رستمی که به این افراد اختصاص یافته، صداقت، شور وعلاقة شاعر به هم‌تباران خویش بسیار نمایان است.

2- بالیدن به اصالت ایرانی

اهتمام ورزیدن به اصالت فرد ونکوداشت هویت قومی یکی از اساسی‌ترین اصول ماندگاری یک جامعه است. بالیدن به ریشه‌های تاریخی وبها دادن به داشته‌های دیرین عاملی اثرگذار در وحدت اقوام ویکپارچگی آن‌ها است. در حقیقت، اتحاد یک قوم بیشتر به خاطر اتفاق نظر آنان بر سر مجموعه‌ای از ارزش‌های انسانی است که علی‌رغم گذر زمان پا برجا وماندگار مانده است. اصالت قومی به معنی دوام‌یافتگی آیین‌ها ورفتارها ومنش‌ها می‌باشد که بر درستی خط‌مشی ورویکرد فرهنگی آن جامعه تأکید دارد. همین امر باعث افتخار وعزتمندی افراد به قومیت خویش می‌شود.

خطة ایران در قرن چهارم هجری ودر قلمرو حاکمیت آل بویه علی‌رغم نا پیدایی جغرافیایی، از نظر فرهنگی وتاریخی برجسته بود. این برجستگی مدیون مجاهدت‌های شاعرانی روشنگر، فرهنگ‌دوست وایرانی‌خواه همچون ابو سعید رستمی بود که زنده نگه‌داشتن میراث کهن ایرانیان را در سر می‌پروراند وحاکمیت هویت ایرانی دغدغة آنان بوده است. بنا بر این، افتخار به ایرانی بودن به معنی افتخار به نژاد وتعصب به قوم نیست بلکه به معنی استمرار بخشیدن به ارزش‌های انسانی یک قوم اصیل که فرهنگ چند هزار ساله را تجربه کرده، ودر اعتلای آرمان‌های بشری نقش داشته است.

ابو سعید رستمی این برجستگی قومی را از راه مقایسه با اقوامی که تاریخ چندانی ندارد، نشان می‌دهد. شاید در وهلة نخست، این گونه قیاس‌ها شائبة نژادپرستانه داشته باشد، اما بررسی همه جانبة پیام سرودة شاعر، این شائبه را می‌زداید ونگاه عمیق شاعر به اهمیت اصالت فرهنگی را عیان‌تر می‌سازد. در تبیین این مطلب به قصیده‌ای در مدح مؤید الدوله دیلمی اشاره می‌کنیم که شاعر ابیات خود را این گونه توصیف می‌کند:

|  |  |
| --- | --- |
| مِن الرستمیاتِ اللواتي إذا انتمت نواشیءُ أرضِ الفُرسِ لا الشامِ دارُها حرائر لم یَعرِفن «عُزّی» وأختَها رشیدیه الاسلامِ شیعیه الهوی | دَعَت حیَّ کسری دون حیِّ «مناه» ولا جُلبت فی سبی «ذی الجَلَباتِ» «مناه» ولم تحلف بِحُرمه «لاتِ» وللعدلِ والتوحیدِ مُعتقداتِ  (ابو سعید رستمی،1401: 62) |

ترجمه: «این اشعار از تبار رُستم هستند، وبه سرزمین کسرا بر می‌گردند، نه به سرزمین بُت «منات». زادة ایران زمین هستند نه اسیر سرزمین شام. آزاده هستند، وهرگز به بُت‌های «عُزّی» و«منات» و«لات» سوگند یاد نکردند. پرورش‌یافتة دین اسلام وشیعی مسلک‌اند وبه عدل وتوحید ایمان دارند».

همان‌طوری که دیده می‌شود شاعر در ابتدا مقایسه‌ای بین دو قومیت ایرانی وعرب با کمک نمادهای این دو قوم انجام می‌دهد. از رستم‌دستان وکسرا دو نماد ایرانی یاد می‌کند، ودر مقابل از بُت‌های جاهلیت به عنوان نماد قوم عرب نام می‌برد. شاید ظاهر این سخنان صریح، یک نوع برتری نژادی واظهار خشم ونفرت را نشان دهد. واین امر دستمایة برخی خاورشناسان شده تا بگویند که اشعار رستمی منعکس کنندة فریاد ملی ایرانیان بر علیه اعراب است (براون، 1335، 1: 388). اما با مطالعة دقیق اشعار رستمی این نوع برداشت ناقص از کلام شاعر نقض می‌شود. در همین ابیات ودر پایان، شاعر از اسلام وایمان وتشیع خود یاد می‌کند وبه اعتقادات خود می‌بالد. بنا بر این، کلام رستمی وتفاخر ایشان به ایرانی بودن به مثابه اعلام انزجار ونفرت از قوم عرب نبوده، وتنها در حد مفاخرات شاعرانه بوده که به اقتضای مناسبت گفته شده است.

این گونه اشعار فخرآمیز در سروده‌های شاعر به فراوانی یافت می‌شود. وشاعر از ذکر نشانه‌ها ونمادهای ایرانی مانند واژة «فارس» ونام «رستم» که نام خانوادگی او از آن اخذ شده، بسیار می‌بالید. شاعر گاهی خود را فرزند رستم قلمداد، وبدان افتخار می‌کند:

|  |  |
| --- | --- |
| فتی «رُستمٍ» لا تذکر البین باسمه | فدیناکَ انَّ البینَ أیسره صعبُ (ابو سعید رستمی، 1401: 34) |

ترجمه: «ای فرزند رستم، سخن از دوری وهجران مران که آسان‌ترین دوری سخت ودشوار است».

ویا ذکر «فارس» در این گفتة شاعر در مدح صاحب بن عبّاد:

|  |  |
| --- | --- |
| الیکَ تهادَت مِن حرائرِ فارسٍ مُشهّره أحسابُها رُستميهٌ | عرائسُ قد أبرزتُها مِن حِجالها ربائبُ خِدرٍ لم تُشَن بانتحالِها (پیشین:158) |

ترجمه: «اشعاری اصیل همچون عروسان آزادة سرزمین فارس برای تو به ارمغان آورده‌ام، که از تبار رستم هستند، وجعل وتزویر بدان راه ندارد».

شاعر در سروده‌های افتخارآمیز خود بر این باور است که فرهنگ وهویت ایرانی یک ارزش غیر قابل نکوهش است، بر خلاف باورهای نادرست برخی اقوام که نکوهیده هستند، وغیر قابل مباهات. رستمی با بیان مکرر این بالندگی‌های ماندگار، بر هویتی تکیه می‌زند که همواره باعث عزتمندی وافتخار بوده است. این عزت وافتخار دیرینه که چنانچه با اسلام وتشیع آمیخته شود، از تعصب‌های نژادی مصون وبه پدیدار شدن تمدن انسانی هدفمند منتهی می‌شود.

استفادة بهینة شاعر از نشانه‌ها ونمادهای پارسی وبیان آیین‌ها وآداب وسنن ایرانی از یک سو، ومقایسة تطبیقی آن با میراث کهن عربی وادبیات دیرین سرزمین حجاز از سوی دیگر نشانگر عمق اطلاع شاعر از تاریخ وتمدن ایرانی ونیز تبحّر وی در فصاحت وبلاغت زبان وادبیات عربی دارد. این توانمندی منحصر به فرد رستمی او را به عنوان ادیب سرشناس‌ وفرهیختة اثرگذار معرفی کرده است. شاید ابعاد شهرت واثرگذاری رستمی را از زبان صاحب بن عبّاد وزیر کاردان آل بویه می‌توان یافت. وی در یک نقلی اظهار می‌دارد که نزدیک به صد هزار قصیدة عربی وفارسی مورد مدح وستایش قرار گرفتم، اما هیچ‌کدام از آن‌ها به اندازة شعر ابو سعید رستمی مرا خوشحال ومسرور نکرده است (حموی، 1980، 6: 263). وهمین تعریف در بیان مقام وشأن رستمی کافی است.

3- بازشناسی آیین وآداب ایرانیان

آیین‌ها وآداب ورسوم هر قومی از نشانه‌های فرهنگ وارزش‌های اجتماعی آن قوم به شمار می‌روند. تداوم وپایبندی به انجام میراث پیشینیان نشان از اثرپذیری وعلاقه‌مندی آن قوم به تجربه‌های ارزشمند انسانی نیاکان پیش از خود بوده، که با حفظ این ارزش‌ها وادامة عمل به آن‌ها، هویت یگانة خود را از هر گزندی مصون می‌دارند، وبه پاسداشت آن در طول ادوار مختلف همت می‌گمارند. شاید یکی از ویژگی‌های قوم ایرانی که بسیار حائز اهمیت است، محافظت ومواظبت از آیین‌های دیرینه وبه جا مانده از روزگاران کهن علی‌رغم همة نابه‌سامانی‌ها ورویدادهای سخت وتلخ تاریخی می‌باشد. بی‌شک عشق ورزیدن به نشانه‌های هویتی ونمادهای ملی، وگرامی‌داشتن آداب ورسوم گذشته نقش بسیار مهمی را در حفظ یکپارچگی ایرانیان وپاسداشت هویت پارسی آنان ایفا می‌کند.

ابو سعید رستمی از جمله شاعرانی بود که در حفظ ونشر فرهنگ پارسی تلاش وافر داشت، وهمواره سعی می‌کرد هویت ایرانی خود را نشان دهد. از هر مناسبتی بهره می‌برد تا میراث فرهنگی ایرانیان را رسانه‌ای کند، واز فراموشی ونادیده‌گرفتن آن جلوگیری کند. اشعار به دست آمدة این شاعر که متأسفانه بخش عظیمی از آن مفقود شده، حاکی از سُرایش هدفمندانة وی برای اعتلای تمدن ایرانی در دوران بسیار حساس سیاسی واجتماعی است. در چکامه‌های بلند او که به مناسبت‌های گوناگون سروده شدند، آثار فرهنگی ونشانه‌های هویت ایرانیان بسیار برجسته وچشمگیر است. از جملة این آثار، پرداختن به کیش پارسیان وجشن‌های باستانی آنان است.

رستمی در یکی از مدیحه‌های خود که دربارة مؤید الدوله دیلمی سروده، به آتشکدة زردشتیان وجشن‌های آنان اشاره می‌کند، واز این که اشعاری با پیشینة ایرانی می‌سراید بسیار خشنود ومفتخر است. وی می‌گوید:

|  |  |
| --- | --- |
| قَوافٍ کأمثالِ السِّهامِ مَریشهٌ إذا انتسبت في الفُرسِ یومَ فِخارِها وأحسنُ ما فیهنَّ کَونُ ثغورِها وهُنّیءَ هذا المِهرجانُ مُمتّعاً | مُقوّمهٌ لو اُیّدَت بِرُماهِ غَدونَ بِبَیتِ النارِ مُفتخراتِ بمدحِ بنی بُوّیه مُبتسماتِ مِن العیشِ في أفنانه النَّضِراتِ (ابو سعید رستمی، 1401: 61-67) |

ترجمه: «اشعاری همچون تیرهای پَردار واستوار که در دستان تیراندازان زبردست قرار دارد، سرودم. سروده‌هایی پارسی‌تبار که به آتشکدة پارسیان می‌بالد، ودر ستایش خاندان آل‌بویه خنده بر لب می‌نشاند. فرخنده باد بر این خاندان جشن مهرگان، وفراخ وخوش باد زندگی آنان».

یادآوری آتشکدة زرتشتیان ومعبد پارسیان به عنوان نماد دیانت ایرانیان ومباهات کردن به آیین‌های باستانی نشانگر علاقة شاعر به داشته‌های دیرین خود وتعهد او در ابراز واعلان آن در محافل گوناگون ادبی واجتماعی است. علاوه بر این، ذکر جشن‌های باستانی مانند جشن مهرگان خود یادآور شادی ایرانیان وجشن عظیم آنان است که در شانزدهم ماه مهر برگزار می‌کردند. البته حضور نمادین جشن‌های ایرانی در فرهنگ وادبیات عرب وبرپایی رسم عیدی گرفتن در این روز به عصر اموی در اواخر قرن اول هجری بر می‌گردد (قلقشندی، 1987، 2: 447). این رسم پس از سرنگونی امویان ادامه یافت، ودر عصر عباسی به اوج خود رسیده است.

علاوه بر جشن مهرگان جشن‌های ایرانی دیگری نیز برگزار می‌شد، که مهمترین آن‌ها جشن نوروز است. ابو سعید رستمی همانند دیگر شاعران عصر خود به این جشن باستانی پرداخته ودر شعر خود آورده است. وی در مدح صاحب بن عبّاد وزیر با کفایت آل بویه این گونه می‌سُراید:

|  |  |
| --- | --- |
| ألَم تَرَ أنوارَ الدیارِ تبسَّمت وخَیّمَ للنیروزِ مِن زَهراتِها تُباهی بکَ الأیامُ عندَ افتخارِها | وقابلَها عَینُ الحَیَا بانهمالِها عساکرُ فی قیعانِها وتِلالِها وتَزهَی بِکَ الأعیادُ عندَ اقتبالِها (ابو سعید رستمی، 1401: 156) |

ترجمه: «مگر گل‌های این سرزمین را نمی‌بینی که خندان شده‌اند؟ در مقابل چشمة باران لبریز شده است. دشت‌ها وسبزه‌زارها در عید نوروز پر از شکوفه شده است. روزگار به تو می‌بالید، وجشن‌ها به یاد تو باشکوه شدند».

تأکید رستمی بر به کارگیری جشن‌های ایرانی تنها به دو جشن نوروز ومهرگان ختم نمی‌شود، بلکه جشن‌های دیگری نیز به کار برده تا حافظة تاریخی را از آیین، فرهنگ وگذشتة پر افتخار ایرانیان پربار سازد. وی در ممدوح خود می‌گوید:

|  |  |
| --- | --- |
| اسعَد بِشَهرٍ وافَتکَ مُقبلهً ثلاثهٌ قد قَرنَ فی قَرَنٍ مقدَّماتٌ من الربیعِ غَدَت | أعیادُهُ بالسعودِ تَستَبِقُ خُرّهٌ روزٍ والنَّضحُ والسَّذَقُ وفودُها مِن صَبابهٍ سَبَقوا  (همان:121،120) |

ترجمه: «خوشبخت باش در ماهی که عیدهای فرخندة آن به تو روی آورده است. سه عید (خرّم روز) و(آبریزگان) و(سَده) بر تو مبارک باد. آن‌ها پیک بهارند که به اشتیاق تو آمده‌اند».

شاعر به سه جشن باستانی ایرانی اشاره می‌کند. جشن اول: جشن (خُرّه روز) یا (خُرّم روز) نام دارد که در آغاز ماه دی برگزار می‌شود (ابو ریحان بیرونی، 2002م، 1: 269). جشن دوم: جشن (آبریزگان) است که از جشن‌های کهن ایرانی ودر آن آب پاشیدن مرسوم بود (ابو ریحان بیرونی، 1386: 353). جشن سوم: جشن (سَده) نامیده شده که به معنی صد می‌باشد. مردم در آن روز برای دفع شر زمستان آتش می‌افروختند (همان: 350). این جشن‌های ایرانی در قرن چهارم هجری یعنی در دوران ابو سعید رستمی شناخته شده بودند، وتأکید شاعر بر یادآوری این جشن‌های کهن ایرانی نشانة اهمیت این موضوع از منظر شاعر در بازگو کردن میراث پیشینیان ومعرفی آثار ایرانیان به دیگر اقوام وملل است.

حضور پر رنگ آداب وسنن ایرانی در شعر رستمی به ویژه در مناسبت‌های عمومی مانند جشن‌ها یادآور حضور هویت ایرانی در باور واندیشة این شاعر پارسی‌‌دوست ایرانی خواه است. تکرار پیوستة این آیین‌ها وسنت‌های دیرین پارسی هدفی جز بالیدن به گذشتة عزتمندانة شاعر وتقویت هویت ملی وباورهای فرهنگی او ندارد. این هدف والا در سراسر شعر هویت‌ساز رستمی قابل مشاهده است.

4- تمجید سرزمین ونکوداشت زادگاه

پیوند هویت با سرزمین یک پیوند ناگسستنی است، وهویت بی‌سرزمین غیر قابل درک وتعریف است. شاید تحدید هویت از نظر مکانی وقلمرو جغرافیایی با توجه به گذر تاریخ وتحولات سیاسی دشوار به نظر می‌رسد، اما نگاه فرهنگی به بُعد هویتی سرزمین در ادوار مختلف تاریخی ثابت وتغییر ناپذیر است. واین حقیقت تاریخی با مطالعة آثار به‌جا ماندة میراث هنری وادبی ایران به روشنی آشکار است. تعلق خاطر انسان‌ها به سرزمین وزادگاه خویش علاوه بر خاستگاه فرهنگی، یک منشأ عاطفی نیز دارد. ابراز احساسات شاعران وتوصیف شوریدگی حال آنان در اشعار وطنی به اوج می‌رسد. از این رو، عشق به سرزمین مادری وگرامیداشت زادبوم می‌توان به عنوان تجلیگاه هویت شمرده شود، ودر سنجش وطن‌خواهی افراد مؤثر دانست.

محیطی که انسان در آن پرورش یافته، ومحله‌ای که دوران طفولیت خود را با کوله‌ باری از خاطرات تلخ وشیرین در آن زیسته، ودوستانی که پا به پای او بزرگ شدند وفرهنگ واحدی داشتند ودر رشد وتحول او شریک بودند، همگی در ایجاد ارتباط قلبی وتعلق عاطفی فرد با زیستگاه خود، وسرانجام پیدایش هویت مکانی نقش اساسی ایفا می‌کنند. از این رو، مکان تنها یک مساحت جغرافیایی قابل اندازه‌گیری با واحدهای خاص نیست، بلکه به عنوان محل الهام‌بخش خاطرات گذشته وتجربیات به دست آورده، ومحیطی که به وجود وهستی فرد عمق می‌بخشد واحساس تداوم زندگی به او می‌دهد. بنا بر این هویت مکانی به هویتی اطلاق می‌شود که وجود انسان را تحقق می‌بخشد، وبه طبع با هویت فرهنگی واجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارد (پرتوی، 1387: 74).

ابو سعید رستمی به زادگاه خود یعنی اصفهان علقة خاصی داشت، وبه ندرت از شهر ودیار خود دور می‌شد. در اصفهان زیست ودر اصفهان درگذشت. بیشتر به خاطر حل مشکلات معیشتی ومالی خود مجبور به ترک وطن می‌شد. در اشعار رستمی شکوه‌های دوری از خانه وخانواده وگفتگوهای دلسوزانة مادر وهمسر وتحمل رنج ومشقت سفر بسیار مشهود است، مانند قصیده‌ای که در مدح صاحب بن عباد سروده وبه خاطرش عازم ری شده است (ابو سعید رستمی، 1401: 34).

اشعار متعددی از رستمی به دست آمده که در توصیف اصفهان وذکر تفرجگاه‌های زیبای آن سروده شده است. پیش از آوردن نمونه‌هایی از این اشعار، ذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که شهر اصفهان در دوران شاعر به عنوان قطب فرهنگی ومرکز مهم سیاسی واجتماعی به شمار می‌رفت، وشاعر همچون دیگر شاعران هم‌دورة خود به این نکتة پر اهمیت واقف بود (مافروخی، 2010: 75). یکی از اشعار زیبای رستمی که یادآور خاطرات گذشتة او بوده، وبه اشتیاق روزهای خوش او در اصفهان سروده، قصیدة فائیه در مدح صاحب بن عباد است. در بخشی از این قصیده آمده:

|  |  |
| --- | --- |
| لله عَیشٌ بالمدینه فاتنی أرضٌ حَصاها جَوهرٌ وتُرابُها | أیامَ لی قصرُ المُغیره مألَفُ مِسکٌ وماءُ المدِّ فیها قَرقَفُ  (ابو سعید رستمی، 1401: 104) |

ترجمه: «خوشا دورانی که در اصفهان گذشت، آنجایی که کاخ (مُغیره) گردشگاه ما بود. سرزمینی که سنگریزه‌هایش گوهر است، خاکش مشک وآبش سرد وگوارا».

البته منظور شاعر از «مدینه» نام دیگر اصفهان است که در قدیم به «جی» معروف بود (حموی، 1988، 5: 87). در شعر رستمی اشارات فراوانی به محله‌ها، باغ‌ها، کاخ‌ها، پل‌ها، رودخانه‌ها، سبزه‌زارها ودشت‌های اصفهان شده که نشان از عمق تعلق خاطر به این مکان‌های هویت‌بخش دارد. این بُعد هویتی آنجا قابل لمس است که شاعر به تبعیت از روش قبلی خود دست به مقایسه می‌زند. وی در وصف این محله‌ها می‌سُراید:

|  |  |
| --- | --- |
| مَعاهدُ «کِردآباذَ نَرسه» أرسلَت ولا زالَ «أیروسانَ» لا رَملَ عالجٍ مَصانعُ لو لاحَت لعادٍ قُصورُها | إلیکَ أکفُّ الغادیاتِ عِهادَها مُصابَ الثُّریا تارهً ومَجادَها لأخفینَ مِن «ذاتِ العِمادِ» عِمادَها  (ابو سعید رستمی، 1401: 74) |

ترجمه: «این محلة (کردآباد نرسه) است که همواره ابر پر باران بر آن می‌ریزد. واین دهستان (ایروسان) است که همیشه مهد بارش باران بوده، نه مانند شنزار (عالج) جزیره العرب. در آنجا کاخ‌هایی وجود دارد که چنانچه نمایان شوند، کاخ‌های قوم عاد (ذات العماد) محو می‌گردند».

اشارة شاعر به منطقة «کردآباد نرسه» است که از محله‌های قدیمی اصفهان بوده واز رود (فرشادی) حقابه داشت (جابری انصاری، 1378، 421، 434). «ایروسان» نیز از مناطق نزدیک به (کردآباد) است که حقابه‌ای از رود «نیاصرم» داشت (پیشین: 278). اما (عالج) منطقه‌ای در صحرای جزیره العرب است که شن‌های فراوانی دارد (ابن منظور، 9: 350). این مقایسة شاعر بیشتر ناظر بر احساس آسایش وآرامش در مناطق خوش آب وهوای اصفهان در مقابل صحرای سوزان عربستان دارد.

توصیف محله‌های اصفهان در شعر رستمی یک توصیف خشک وبی‌روح نیست، بلکه همراه با بیان صادقانة احساسات است. محله‌های شهر برای بو سعید تجدید خاطرات شیرین گذشته ویادآور ارتباط ناگسستنی با خاک میهن است. گاهی این احساسات شاعر آن‌چنان به اوج می‌رسد که رنگ تعصب به خود می‌گیرد. رستمی در قصیده‌ای خطاب به صاحب بن عبّاد می‌گوید:

|  |  |
| --- | --- |
| إلیکَ ابنَ عبّادٍ نَسیجهَ وحدها رَبیبه «کردآباد نرسه» جرفُها | سَداها المعاني والقوافي لها هُدبُ وهل باعَها منّي سَلامانُ أو کعبُ  (ابو سعید رستمی، 1401: 43) |

ترجمه: «ای ابن عبّاد! چکامه‌ای یگانه برای تو سروده‌ام که تار وپود آن معانی بلند وقافیه‌های زیبا است. قصیده‌ای از دیار (کردآباد نرسه) است که اگر بزرگ‌ترین قبایل عرب یعنی (سلامان) و(کعب) خواهان آن هستند، هرگز نمی‌فروشم».

این تعصب شاعر ناشی از همان تعهد به هویت سرزمینی است که به هیچ وجه قابل معامله نیست. عشق به زادگاه در باور شاعر به معنی عشق گذرا واحساسی نبوده، بلکه عشقی استوار که در باور شاعر ریشه دوانده وبه هیچ نحوی از اندیشة او محو نمی گردد.

از دیگر نمادهای هویت مکانی که ابو سعید رستمی بارها در شعر خود آورده وبدان ترنم کرده رود «زاینده‌رود» است. هرجا شاعر احساس غربت ودلتنگی می‌کرد به یاد زاینده‌رود می‌افتد ومأنوس می‌گردد. رستمی در وصف این رود بسیار خاطره‌انگیز عمل کرده وآن را زایندة روزهای خوش زندگی قلمداد می‌کند:

|  |  |
| --- | --- |
| عَشیّاتنا مِن «زَرنرودَ» وجِسرِها أعیدي إلی عینی کَراها لعلّنی لیالیَ شِعبا «زَرنرودَ» وجسرها مناظرُ للأبصارِ فیهنَّ مَسرَحٌ | وشِعبِ الغَضا هل لي إلیکُنَّ مَرجَعُ أراکِ وإن لم تَشفِنی حینَ أهجَعُ مصیفی ولی قصرُ المُغیره مَربَعُ بَعیدٌ وللآذانِ فیهنَّ مَرتَعُ  (همان:96،95) |

ترجمه: «ای شب‌های زیبای ما در کنار زاینده‌رود وروی پل ونزدیک پیچش رود. آیا بازگشتی هست؟ خواب را به چشمانم برگردان، تا تو را در رؤیا بینم، هرچند دردم را دوا نمی‌کند. در شب‌های زاینده‌رود ودر کنار پل، کاخ (مغیره) ییلاق واُتراق من است. چشم‌اندازهایی چشمگیر وگوش‌نواز هستند».

این توصیف‌های زیبا وپر عاطفه بارها در شعر ابو سعید رستمی به نمایش گذاشته شده است. اما هر بار به گونه‌ای مختلف وبا دیدی نو که حاکی از اشتیاق دائمی وتعلق خاطر همیشگی او دارد، عرضه شده است. از نگاه شاعر نمادها ونشانه‌های شهر اصفهان بُن‌مایة هویت اوست؛ چون‌که با یادآوری آن‌ها احساسات وطن‌خواهی او پر شورتر وپویاتر می‌گردد.

3- نتيجه‌گيري

از بررسي موضوع «هویت ایرانی در اشعار ابی سعید رستمی» چند نكتة مهم به دست آمد، كه به شرح ذيل بيان مي‌گردند:

1- در اشعار عربی سده‌های پیشین به ویژه عصر آل بویه مضامین هویتی وفرهنگی فراوانی یافت می‌شود که نشان از تعلق خاطر وباور عمیق ادیبان وشاعران ایرانی‌تبار به تاریخ وتمدن کهن ایرانی دارد. این احساس درونی حاکی از پیوست ایرانیان به هویت پارسی وارتباط ریشه‌دار آنان با داشته‌های دیرینة خویش است.

2- از مطالعة اشعار شاعران ایرانی‌تبار این حقیقت آشکار تاریخی نمایان می‌گردد که این شاعران در طول تاریخ وعلی‌رغم تهدیدها وچالش‌های بی‌شمار همواره از هویت ایرانی خود دفاع کرده واز آداب وسنت‌های پارسی به بهترین وجه محافظت نمودند.

3- ابو سعید رستمی سرآمد شاعران عصر خود بود، ودر اشعارش مضامین هویت ایرانی به وضوح دیده می‌شد. انعکاس این مضامین را آغازی بر تکاپوی حس وطن‌خواهی ایرانیان می‌توان شمرد که از زبان فرهیختگان جامعه منعکس می‌شد. همین حس در اشعار دیگر شاعران هم‌عصر رستمی قابل مشاهده است.

4- رستمی در اشعار خود سخن از هویتی می‌راند که باورهای فرهنگی، تاریخی، دینی واعتقادی را با هم نشان دهد. او به پیشینة تاریخی ایران ارج می‌نهد، وبه سرگذشت سراسر افتخار قوم خود می‌بالد وبه دین ومذهب خویش اعتقاد قلبی دارد.

5- شاعر در اشعار مفاخره‌آمیز خود از روش قیاس بهره می‌برده وبه مقایسة فرهنگ‌ها می‌پرداخته، واز قِبَل این شیوة استدلال عقلی تفاوت فرهنگ‌ها وارزش‌ها ومنش‌ها را نشان می‌داده است. بدین جهت اهمیت هویت فرهنگی وجایگاه سترگ آن در نگاه شاعر نمایان می‌گردد.

6- به کارگیری دقیق نمادهای ایرانی از قبیل آیین‌ها وسنت‌ها، وهمچنین پرداختن به سرگذشت قبایل عربی در شعر رستمی حکایت از آگاهی عمیق شاعر از تاریخ وتمدن ایرانی، واطلاع وسیع وی از پیشینة زبان وادبیات عربی دارد. دقت در بهره‌مندی به‌جا ودرست از مجموعة این اطلاعات نشانگر تبحّر شاعر در علوم وفنون مختلف است. از این رو، ابو سعید رستمی را نه تنها به عنوان شاعر برجستة عصر خود باید دانست، بلکه باید او را به عنوان یکی از فرهیختگان واثرگذاران جامعة خود به شمار آورد.

7- عناصر ونشانه‌های هویت ایرانی شاعر از رهگذر مدح وستایش حاکمان ایرانی آل بویه، بالیدن به اصالت ایرانی، بازشناسی آیین وآداب ایرانیان وتمجید سرزمین ونکوداشت زادگاه متجلی گشت.

8- هویت ایرانی ابو سعید رستمی ریشه در تاریخ سرزمین پارس دارد، واز پشتوانة فرهنگی برخوردار است، باهویت دینی ومذهبی او هماهنگ ومنسجم است، ودر معرفی وبازگو کردن آن از واقعیت، شفافیت وصداقت بهره برده است.

منابع

1- ابن خلکان، احمد. (1994م). *وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان*. تحقیق: دکتر احسان عباس. بیروت: دار صادر.

2- ابن منظور، محمد. (1999م). *لسان العرب*. تصحیح: امین محمد عبد الوهاب ومحمد الصادق العبیدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

3- ابن نُباته، عبد العزیز. (1977م). *دیوان ابن نُباته السعدی*. تحقیق: عبد الامیر مهدی حبیب الطائی. بغداد: دار الحریه.

4- ابو ریحان بیرونی، محمد. (1386ش). *آثار الباقیه*. ترجمه: اکبر داناسرشت. چاپ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

5- ابو ریحان بیرونی، محمد. (2002م). *القانون المسعودی*. تحقیق: عبد الکریم سامی الجندی. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.

6- ابو سعید رستمی، محمد. (1401ش). *دیوان ابی سعید الرستمی*. پژوهش وگزارش: دکتر حیدر محلاتی. چاپ اول، تهران: نشر آوای خاور.

7- براون، ادوارد. (1335ش). *تاریخ ادبی ایران*. ترجمه: علی پاشا صالح. چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.

8- پرتوی، پروین. (1387ش). *پدیدارشناسی مکان*. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

9- ثعالبی، عبد الملک. (1983م). *یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر*. شرح وتحقیق: دکتر مفید محمد قمیحه. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.

10- جابری انصاری، میرزا حسن خان. (1378ش). *تاریخ اصفهان*. تصحیح: جمشید مظاهری. اصفهان: مؤسسه انتشاراتی مشعل.

11- حموی، یاقوت. (1980م). *معجم الأدباء*. چاپ سوم، بیروت: دار الفکر.

12- حموی، یاقوت. (1988م). *معجم البلدان*. بیروت: دار بیروت.

13- دهخدا، علی اکبر. (1377ش). *لغت نامه*. چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات وچاپ دانشگاه تهران.

14- دیلمی، مهیار. (1950م). *دیوان مهیار الدیلمی*. چاپ اول، قاهره: دار الکتب المصريه.

15- عمید، حسن. (1389ش). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ اول، تهران: راه رشد.

16- قلقشندی، احمد. (1987م). *صبح الأعشی فی صناعه الإنشا*. تحقیق: یوسف علی طویل. چاپ اول، دمشق: دار الفکر.

17- قنبری برزیان، علی؛ جعفرزاده پور، فروزنده. (1390ش). مقالة «قدرت هویت ملی در میان ایرانیان». *فصلنامة مطالعات ملی*. سال دوازدهم. شماره 4. ص: 3-29.

18- مافروخی، مفضّل. (2010م). *محاسن اصفهان*. تحقیق: عارف احمد عبد الغني. چاپ اول، دمشق: دار کنان.

19- مردم بک، خلیل. (1932م). *الصاحب بن عبّاد*. دمشق: مطبعه الترقی.

20- میر محمدی، داود. (1383ش). *هویت ملی در ایران*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

**Manifestation of Iranian identity in the poems of Abi Saeed Rostami**

**Abstract:**

Abu Saeed Rostami was one of the Iranian poets of Al Boyeh era who wrote poetry in eloquent Arabic language. He was considered one of the most famous poets of the 4th century in Isfahan. The poems of this poet are full of valuable themes and beautiful and imaginative descriptions. The important point and worthy of attention in the poetry of this famous poet is the bold presence of Iranian symbols and signs of ancient Persian heritage, all of which emphasize the manifestation of the Iranian identity of this poet. The author of this article tries to identify the characteristics of the Iranian identity of this poet by relying on the descriptive and analytical method and examines and analyzes his poetic heritage from the point of view of identity and culture. The preliminary investigation shows that the Arabic poems of this poet have cultural and historical value in addition to literary and rhetorical values, and can be considered as a treasure of identity themes of that era. Rostami used several elements to express his Iranian identity. Among these elements, we can point out the praise of the Iranian rulers Al Boyeh, Pride in his Persian lineage and narrating Iranian rituals and customs.

**Keywords**:Persian manners, Abu Saeed Rostami, Iranian poets, Arabic poetry, Iranian Identity.